

دکتر مراد کاویانی راد، دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

یافته های موجود گویای آن هستند که محیط زیست کشور در بسیاری از مناطق به ویژه در پیرامون کلان شهرها، توانش اکولوژیک خود را از دست داده و به صورت فزاینده ای شکننده شده است و بهبود آن هم در کوتاه مدت ناشدنی است به گونه ای که اگر فرسایش محیط زیست کشور را بزرگترین عامل تهدید کننده امنیت کشور بدانیم به گزاف نرفته ایم. برای نمونه بیش از 85 درصد آب های زیرزمینی کشور مصرف شده و به پایان رسیده اند. این در حالی است حداکثر باید 40 درصد از این توانش آبی استفاده می شد. به دیگر سخن، دیگر آبی وجود ندارد. پیامدهای این وضعیت، دست کم طی دو دهه گذشته فرونشست زمین، کوچ روستاییان به شهرها و افزایش تنش های اجتماعی آب پایه بوده است. به یاد داشته باشیم که یک از رخدادهای یاد شده کارکردی زنجیره وار دارند و خود می توانند خاستگاه تنگناها و پریشانی های دیگر شوند. وضعیتی که با توجه به دگرگونی های اقلیمی و تغییر الگوی بارش در آینده نزدیک نیز بر پیامدها و سویه های آن افزوده خواهد شد. داده های موجود نشان می دهند که با وجود اهمیت محیط زیست در امنیت و توسعه پایدار کشور، ج ستار ارزیابی محیط زیستی طرح و برنامه هادر قانون برنامه های سوم، چهارم و پنجم با وجود تأکید کارگزاران سطح کلان نظام و تأکید اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چندان در کانون کش و روش تصمیم گیران و برنامه ریزان قرار نداشته است. با این حال، یافته های موجود گویای آن هستند که در قالب برنامه ششم قرار است همه طرح ها پیوست زیست محیطی داشته باشند تا از این پس در طرح ها و پروژه های بزرگ تولیدی، خدماتی و عمرانی آسیب نبینند. بر بنیاد تعریف ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی به عنوان علمی که «ابعاد سیاسی فضای جغرافیایی در قالب کنش متقابل مناسبات قدرت (در ابعاد همزیستی، همآوردی، کشمکش، تنش و جنگ) با قلمرو (فضا و سرزمین) و قلمرومندی (قلمروخواهی، قلمرو سازی و قلمرو داری) سازه های انسانی را مطالعه می کند» بخش کلانی از «بحران محیط زیست» و «امنیت محیط زیست» کشور، سرشت و کارکردی ژئوپلیتیک دارد. عرصه یاد شده گواهِ بر رخساره کاربردی این دانش است که می تواند در شکل سند ملی و راهبردی به واکاوی و راهکار دهی برای «بحران محیط زیست» و «امنیت محیط زیست» در قالب مقیاس های فروملی، ملی و فراملی پردازد. در قالب رویکرد ژئوپلیتیک محیط زیست، وجود سه متغیر کنش متقابل مناسبات قدرت، قلمرو و قلمرومندی، مسائل و رویدادهای جغرافیای سیاسی یا ژئوپلیتیک در مقیاس خرد تا کلان (فروملی تا جهانی) از رخدادهای و مسائل رشته های محیط محیط زیستی و حتی علوم همسایه (علوم سیاسی، روابط بین الملل و جامعه شناسی) متمایز می شود. بر بنیاد چنین رویکردی، جغرافیدانان سیاسی کشور می توانند خواستار همکاری با سازمانها و نهادهای درگیر در «بحران محیط زیست» و «امنیت محیط زیست» دست کم در دو مقیاس فروملی و ملی شوند و بکوشند در قالب طرح مفهوم «پیوست ژئوپلیتیک طرح های عمرانی» مانع از فرسایش و نابودی فزاینده محیط زیست و بنیادهای زیستی کشور شوند و توانش مندی علم خود را به آگاهی دست اندکاران و گردانندگان کشور برسانند.

